

سپس هزاران هزار ستاره ایجاد کرده است که ما از شماره آنها عاجزیم. اما هر جا که ذرات پراکنده و تراکمشان کمتر بوده همچنان بحالت سحابی خود باقی مانده و هر زمان دستخوش جاذبه طبیعی گشته توده جدیدی ایجاد میکند. هر یک از این توده های سحابی نیز میباید ها سال طول خواهد کشید تا بحر حله تحجر رسیده بصورت یکی از اجرام سماوی در آید.

بدین ترتیب می بینیم که عالم نامتناهی پیوسته در کار ساختن سکرآت تازه ایست.

این ماده اولیه که از شدت پراکندگی ذرات از حد اشاره حسی خارج است و میتوان برر ستارگان نام نهاد در همه جای فضای بیکران افتانده است. روشنگری شهبای زیبای مارا بیشتر این ذرات بعهدہ دارند بدینمعنی که اگر نور پراکه اینها از خورشید کسب کرده بما میسرسانند با تشعشع ستارگان بسنجیم به نسبت هفت به صد خواهد بود.

خرده های کرات از هم ریخته

در همین حال که از یکطرف مواد غیر متراکم هیوی از هر سو در اثر جاذبه متقابل خود را بشکل اجرام متراکم تری در آورده پیوسته در پی آند که توده های سخت تری ایجاد نمایند از طرف دیگر کرات کهنه از هم فرو ریخته ذرات جدیدی در فضا پراکنده میسازند.

این اجرام که نیروی انفجار از هم دورشان میسازد پس از متلاشی شدن نیز بحکم جاذبه طبیعی، همان مداری را که ستاره داشته پیروی میکند.

گاه نیز ممکن است بواسطه نیروی جاذبه یکی از ستارگان نزدیک بدان جذب شوند.

از این قبیل اند سه جرم سماوی بزرگ بنام (آدنیس) که در فاصله دو میلیون کیلومتر و (ارس) که در فاصله یازده میلیون کیلومتر و (آمر) که

در فاصله شانزده میلیون کیلو متر بدور کره زمین میگردند. ستاره شناسان بر آنند که این اجرام خرده های ستاره می هستند که وقتی در بین مریخ و مشتری منفجر شده است.

بدینگونه اند عناصری که چون در اتمسفر ما جذب میشوند آنها را صاعقه آسمانی یا نیرشهاب و سنگ آسمانی میخوانیم.

نور باران ستارگان

نیرشهاب قطعه سنگی است کوچک: سنگ آسمانی توده بزرگتری است از همین جنس.

هر یک از این دو در حین تماس با طبقات بخاری فوق جو یعنی تقریباً در ۱۲۶ کیلومتر بالای سر ما مشتعل میشوند.

نیرشهاب اگر از حیث حجم چندان قابل اهمیت نباشد پس از نود کیلو متر تماس با هوای ما مشتعل شده خط نورانی در فضا رسم نموده خود از بین میرود و تقریباً هیچ چیز از آن بر زمین ما نمیرسد.

زمین هنگام طی مدار حرکت انتقالی سالیانه خود در ۱۰ اوت و ۱۴ نوامبر از مناطقی عبور میکند که در آنجا ذرات هیوی باتراکم خاصی وجود دارند. در اینجا زمین مقدار زیادی از این ذرات را با دام خود که نیروی جاذبه باشد میگیرد. در این هنگام است که کثرت نیرهای شهاب تولید نور بارانی در آسمان مینماید.

سنگهای آسمانی از لحاظ شیمیائی از اجسامی ترکیب یافته اند که همه آنها در زمین ما موجودند مانند: آهن، گوگرد، فسفر، منیزیم، سیلیسیم، نیکل،

سیدیم، کلسیم، و غیره. ولی مانده این خطایا را مطالیم و نه سنگهای آسمانیا.

مقام هردوت در تاریخ

برخی بر ما آشکار میکند. اما بالعکس منابع خارجی تاریخ قدیم ایران را از تیرگی و ابهام بیرون آورده و در اغلب موارد بعد صراحت کامل رسانده است و از میان این منابع از همه مهمتر منابع یونانی و رومی است و از آنجمله تاریخ هردوت در درجه اول اهمیت و ارزش تاریخی قرار دارد. هردوت ادوار بسیار مهم تاریخ ایران یعنی دوره سلطنت ماد و سلاطین اولیه هخامنشی و جنگهای آنانرا با ملل تابع و همسایه خصوصاً یونانیان شرح میدهد و قدیمترین و بهترین و موثقتترین منابعی در این باب است که اکنون در دست داریم.

منظور اصلی هردوت از نگاشتن این کتاب شرح روابط یونانیان و ایرانیان از

در تاریخ ایران پیش از اسلام، خصوصاً ایران دوره ماد و هخامنشی و سلوکی و اشکانی اگر آنها ماخذ ملی یعنی کتیبه ها و ابنیه و سکه ها را منبع تحقیق قرار دهیم بسیار ناقص و حتی در اغلب موارد در نهایت تاریکی و ابهام خواهد بود. از دوره ماد بهیچ روی سندی فارسی در دست نداریم و تنها در بعض کتیبه های هخامنشی اشاراتی مختصر در باب ایشانست. کتیبه های شاهان هخامنشی و سکه ها و آثاری که از ایشان در ایران و خارج از ایران بدست آمده بنهائی و بر رویهم از عهده روشن ساختن تاریخ این دوره بر نمیتواند آمد و فقط نامهایی از بعض شاهان را باضافه شرح بسیار مختصری از کارهای

مقام هردوت در تاریخ ایران

دوره حکومت آنان آغاز میشود و در ذکر کشورهای مفتوحه ایشان نیز بخشهایی ذکر کرده است. هرودت کتاب اول خود را نخست بععل بروز اختلافات بین یونانیان و ملل غیر یونانی آغاز کرده آنگاه بتحقیق در باب حکومت لیدی که بدست کوروش از میان رفت پرداخته و سپس برای شناساندن پرسیان و اینکه « چگونه خداوندی آسیا یافته اند، (۱) از تشکیل سلطنت مادی در ماد و کشور گشائیهای سلاطین مادی بحث نموده و سرانجام دوره حکومت آستواکس (آستیاژ) آخرین پادشاه مادی را مبتنی بر شرح نشأت کوروش (نواده دختری آستواکس) و طغیان وی بر آستواکس و غلبه پرسیان بر ماد ها و انقراض حکومت مادی یاد کرده است. از بند ۱۳۱ کتاب اول تا انتهای بند ۱۴۰ هرودت بیان عقاید مذهبی و شرح عادات و اخلاق پرسیان هست گماشته و سپس در سایر قسمتهای کتاب اول خود دنباله کارهای کوروش را در غلبه بر مهاجران یونانی آسیا و تسلط بر بابل و حمله بممالک شرقی و « ماساژت ها » و قتل وی بدست آنان شرح میدهد و با ذکر نام هرملت ذکری از تاریخ و عادات و آداب و تمدن آنان نیز میکند.

کتاب دوم هرودت در ذکر حمله کلمبوزیا (کمبوجیه) جانشین کوروش بمصر است. هرودت نخست در سراسر این کتاب بیان تاریخ مصریان پرداخته و در کتاب سوم دنباله کارهای کلمبوزیا و قیام اسمردیس غاصب (کتومانان) و رسیدن داریوش بسطنت پارس و اقدامات و فتوحات او را شرح داده و دنباله همین مطلب اخیر در تمام کتاب چهارم ادامه یافته است. از کتاب پنجم روابط ایرانیان و یونانیان اروپا آغاز میشود و تا آخر ادامه می یابد.

با بیان این مقدمات مقام و اهمیت هرودت در تاریخ ایرانها بجائی بر ما آشکار میشود که کتاب او را نه تنها باید یکی از منابع تاریخ قدیم ایران بلکه یکی از تاریخهای خاص ایران قدیم بدانیم.

قرن پنجم قبل از میلاد یعنی قریب که هرودت در آن میزیست علوم یونانی چنانکه در قرن چهارم و سوم پیش از میلاد ملاحظه میشود بکمال و پختگی خود نرسیده بود، فلسفه یونان هنوز مراحل اولیه تکامل را میبیمود و بالنتیجه تمام علوم که محتاج بروش فلسفی و فکری منسّق و مرتب است همان حال را داشت و از آنجمله است تاریخ.

تواریخی که قبل از هرودت نگاشته میشد و حتی کتابهای تاریخی نزدیک بهرودت مثلاً تاریخ « هکاته » نویسنده یونانی پیشتر حالت افسانه و داستان دارد و حتی در بسیاری از موارد حکم اساطیری کهن را پیدا میکند چنانکه اغلب پهلوانان تاریخ اواز اخلاق نزدیک خدایان یونانند و علاوه بر این هکاته

هیچگاه از جنگ « تروآ » و حتی گاه از هجوم « دورین ها » در تاریخ خود فروتر نمباید. برخی کتابهای دیگر نیز مانند تاریخ ایران « هلائیوکوس » و تاریخ لیدی « خسانتوس » که در زمانهای بسیار نزدیک بهرودت نگاشته شده اند چنانکه باید از این نقص مبری نبودند.

این کتب علاوه بر آنکه از بحث در تاریخ واقعی ملل از تمام جهات یعنی بیان احوال سیاسی و شرح عادات و رسوم و مذهب و توصیف اوضاع جغرافیائی تا حدی که برای یک مورخ بیست و چهار پنج قرن قبل میسر است عاری است، از تحقیق و مطالعات مستقیم نویسنده نیز دور میباشد. اما تاریخ هرودت برعکس همه این تواریخ: اولاً هم از آغاز متوجه تحقیق در احوال ملل معاصر و علل بروز اختلاف بین یونانیان و آسیائیان است و اگر گاه هرودت در ضمن شرح این حقایق بزمانهای گذشته ملل بازگشت میکند تنها برای توضیح مطلب و شناساندن ملتی است که مورد بحث میباشد.

در توصیف اوضاع جغرافیائی سخنان هرودت از آنجهت که خود اغلب مالکی را که وصف کرده دیده است پیشتر طرف اعتماد میباشد. هرودت در این موارد خصوصاً بدان قسمت که امروزه « جغرافیای انسانی » نام دارد، یعنی شرح خصایص جسمی و روحی، عادات و طریق معاش، آئین و عمارات و امثال این امور توجه نموده است. علاوه بر این چون خود مسالک و راهها را دیده و طی کرده بود مسافتی را که بدست میدهد با توصیفاتی را که میکند میتوان مقرون بحقیقت دانست. ما برای مثال اکنون قسمتی از بند ۱۰۴ از کتاب اول را در اینجا نقل میکنیم تا روشن بودن مناطق و اماکن جغرافیائی در نظر هرودت اندکی بر ما آشکارتر شود: « از دریاچه مؤنیس (بحر آرزو) تا نهر نازیس (رود رپون در قفقاز) و سرزمین کلخوس (کشید. تقریباً گرجستان امروزی) و بزرگراه آریمنای خوب سی روزه می پیماید. از کلخوس تا سرزمین مادی نیز راه درازی نیست چه بین این دو مملکت تنها مردم « ساس پیر » ساکنند و چون از کشور اخیر بگذرند وارد سرزمین مادی میشوند ... و باز در بند ۱۱۰ از همین کتاب کیفیت طبیعی یک قسمت از سرزمین مادی را درست مانند یک عالم جغرافیای امروزی بدین طریق وصف میکند: « ... چرا که کسی که میترا دانس (مهرداد، شبان پادشاه ماد) گاووان شاهی را در آن میجراند در دامنه کوهی در شمال آکیاتانس (همدان) و در حدود بحر سیاه بود. سرزمین ماد در این قسمت یعنی در حدود سرزمین « ساس پیر ها » مرتفع و مستور از جنگل میباشد و برعکس قسمت دیگر سرزمین ماد هموار است ... » اما این مطلب قابل ملاحظه و دقت است که در ضمن تحقیقات جغرافیائی عجائب بلدان دقت هرودت را بیشتر از هر چیز جلب مینموده است. اسانس مطالعات هرودت در اوضاع جغرافیائی سیاحت بوده است و بسیاری از عجائب ممالک

را که شرح میدهد چشم خود دیده و یا از مردم ممالک مربوطه شنیده است. عین این دقت و کنجکاری را هرودت در تحقیق روایات و تمیز صحیح و سقیم آنها نیز بکار میبرد. رنجها و زحماتی که هرودت در تحصیل روایات صحیح با مقایسه روایات متحمل شده گناه از حد قبول نیز فراتر میبرد. این مورخ دقیق سعی داشت آنچه مینویسد و آنچه بخوانند گمان نمیدهد سخنانی درست باشد و اگر در برخی موارد چنانکه خواهیم دید در تحت تأثیر مینهن پرستی از جاده صواب منحرف نمیشد مورخ بی تمام معنی بیطرف و درست گفتار بشمار میآید و اکنون نیز صرف نظر از بعض سخنان او که بجای خود ذکر میشود لایق آنست که در ردیف این قبیل مورخان در آید. در کتاب دوم چون از روایت مصریان در باب شناخته شدن قدمت « فیروزین ها » نسبت بابشان سخن میراند میگوید: « روحانیان « ممفیس » شرح واقعه را برای من اینطور صحبت داشته اند... و در مدت توقف خود در ممفیس از بخشهایی که با روحانیان « وولکان » داشته ام بر مطالب دیگری نیز دست یافتم و لسی چون ساکنان « هلیوپولیس » از سایر مصریان بهتر و دقیق ترند. من برای اینکه بینم سخنان ایشان با روحانیان ممفیس مطابقت دارد یا نه، بدان شهر و نیز بشهر نیس مسافرت کردم... » (۱)

نظیر این حقیقت را نیز در شرح حال کوروش میگوید: بنا بر مشهور در باب تولد و پرورش کوروش چندین روایت وجود داشت مثلاً « کتزیلیس » طیب و مورخ مشهور یونانی در این باب روایت خاصی دارد و « کزنفون » در « تربیت کوروش » روایت دیگری ذکر می کند و روایت هرودت نیز بکلی از این روایات دیگر جداست و بیشتر جنبه عادی و طبیعی میگیرد و با آنکه بنا بر قول خود از سه روایت دیگر نیز بی اطلاع نبوده روایتی را که صحیح شمرده انتخاب نموده و گفته است: « من در این توضیحات گفتنی گروهی از پارسیان را، که در بیان حقیقت بیشتر کوشیده اند نادرتر کرداشتم اعمال کوروش، سند قرار میدهم و پیداست که بروجوده قول دیگر در این باب نیز آگاهم » (۲)

یکی از مطالب که بتاریخ هرودت جنبه بسیار خوبی میدهد بحث در قوانین و اخلاق و عادات و آداب ملل و حتی غذا و لباس آنانست و این حقیقت هیچگاه از نظر هرودت دور نیست و در باب هرملت چیزی از این

مقوله ذکر میکند مثلاً در باب مردم بابل چنین مینویسد: « مردم بابل برای پوشش جامه های بلند از کنان دارند که تا پای آنرا می پوشاند و بر روی آن جامه های دیگر از پشم می پوشند و بر روی همه اینها ردائی سفید دارند. گفتههای ایشان پبای اقرار اهالی بئوسی (از ولایات یونان قدیم) شبیه، کیسوانشان بلند و سرشان از مبرتر (کلاههای دنداندار قدیم) پوشیده است و سراسر بدن را ببطر آغشته می کنند. هر کس عصائی در دست دارد که بر رأس آن صورت یک سیب یا گل سرخ یا عقاب یا چیزهای دیگر نقش است... و بلا فاصله بعد از این بند یعنی از بند ۱۹۶ تا انتهای بند ۲۰۰ از کتاب اول بشرح عادات و اخلاق و قوانین اجتماعی و مذهبی اهالی بابل پرداخته است. در کتاب دوم عین این کیفیات را بنحو کاملتری در باب مصریان و خصوصاً در شرح مذهب و روحانیان ایشان ملاحظه میکنیم. بطوری که باید گفت هرودت از هیچ قومی نام نمیرد مگر آنکه شطری از آداب و عادات و خصائص اخلاقی و مذهبی و مدنی ایشان را بیان کند و از این میان توضیحاتی که در باب ایرانیان در موارد مختلف از کتاب خود میکند خصوصاً برای ما شا بان ملاحظه و مطالعه است.

چنانکه قبلاً گفته ایم هرودت با همه دقت و مراقبتی که در ضبط روایات صحیح داشت گاه و مخصوصاً در مواردی که غرور ملی او دچار لطمه بوده اند گاه در شرح حقایق تسامح کرده است و از این موارد است شرح جنگهای مادی (جنگهای ایرانیان و یونانیان). پدر مورخان در این قسمت سعی دارد برای اثبات فداکاری یونانیان و شجاعت ایشان سپاهیان و قوای ایران را چندانکه ممکن است بزرگتر اجساد کند و حتی در شرح وقایع بنا بر عقیده برخی دچار اشتباهات صریح گردد و این معنی از مطالعه دقیق شرح جنگهای مادی در کتاب محققین جدید بخوبی آشکار است. تنها در این میتوان بدو طریق از هرودت دفاع کرد و آن یکی شنیدن روایات است از یونانیان یعنی از یک طرف متخاصم و دیگر زندگی نویسنده هنگام نگارش این فصول در میان اهالی آن و نکاشتن کتاب خود برای یونانیان و بخاطر قرائت در جشنهای المپیک. با تمام این کیفیات هرودت آنجا که یکی از مقایح اخلاقی یونانیان برمیخورد از ذکر آن بهیچ روی خود داری نمی کند و این امر خود یک دلیل دیگر بر عظمت مقام فکری این مرد بزرگ و اهمیت او در تاریخ عالم است.

ذبیح الله صفا

۱ - بند ۱۱۱ کتاب ۲

۲ - بند ۹۵ کتاب اول